

ایستاد هفت

سال سی و پنجم، شماره ششم
بهار و آسفند ۱۴۰۳
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۰

آخر یکی از مسلمانان چراغی فرا راه من دارید! | چاپ نوشت (۱۷) |
برگی از ادبیات ضد صوفی در مسلمانان هند | نسخه خوانی (۳۹) |
آینه‌های شکسته (۷) | مرگ چنین خواجه... | تازیدن؟ تاسیدن؟
ناهیدن؟ | خراسانیات (۳) | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۳) |
متنی دیگر از سنیان دوازده‌امامی | نوشتگان (۱۱) | نظریه
آواشناختی خلیل بن احمد و زبان‌شناسی هندی | طومار (۹) |
اشارات و تنبیهات (۷) | حدیث «علي مع الحق» از عبقات الأنوار |
رباعیات صرفی کشمیری در دیوان خاقانی | سحر با باد می‌گفتم
حدیث آرزومندی | **نکته، حاشیه، یادداشت**

جامع‌العلوم القرآن، تفسیر آبی الحسن الرمانی
اپوست آینه پژوهش | روند تحول نگاه اهل سنت به نهج البلاغه در قرن هفتم هجری

جويا جهان بخش | مجيد جلیسه
رسول جعفریان | حیدر عبوضی
محمد سوری | مسعود راستی پور
امید حسینی نژاد | آریا طیب زاده
میلاد بیگلرلو | احمد رضا قائم
مقالی | علی زاد | حمید عطاری
نظری | علی بوذری | سید علی
میرافضلی | مرتضی علی زاده نجار |
خلیل حسینی عطاری | علی ایمانی
ایمنی | مرتضی کریمی نیا | سید
محمدحسین حکیم

نظریه آواشناختی خلیل بن احمد و زبانشناسی هندی^۱

ترجمه سید احمد رضا قائم مقامی

| ۲۳۱-۲۳۷ |

۲۳۱

آینه پژوهش | ۲۱۰
سال ۳۵ | شماره ۶
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

چکیده: از همان قرن نوزدهم میلادی کسانی احتمال داده‌اند که ترتیب کتاب العین خلیل بن احمد متأثر از آواشناسی سنسکریت است. با این همه، اشتفان ویلد این نظریه را قدری بیشتر از اجمال به در آورده است. این نوشته ترجمه چند سطر از کتاب اوست که به این موضوع اختصاص یافته است.

کلیدواژه‌ها: آواشناسی، خلیل بن احمد، العین، سیبویه، پانینی.

Khalil ibn Ahmad's Phonological Theory and Indian Linguistics

Translated by Sayyed Ahmad Reza Qaem-Maqami

Abstract: Since the 19th century, some scholars have speculated that the structure of *Kitāb al-ʿAyn* by Khalil ibn Ahmad was influenced by Sanskrit phonetics. However, Stefan Wild has further elaborated on this hypothesis in greater detail.

This article presents a translation of selected passages from his work that specifically address this subject.

Keywords: Key words: phonetics, Khalil b. Ahmad, *al-ʿAyn*, Sibawayh, Pānini.

۱. این نوشته ترجمه است از ذیل فصل سوم کتاب اشتفان ویلد (Stefan Wild) با عنوان:

Das Kitāb al-ʿAin und die arabische Lexikographie (Wiesbaden, 1965), 37-40.

چنانکه مؤلف خود گفته، این مطالب با قدری تفصیل بیشتر در یک مقاله ZDMG، سال ۱۹۶۲، نیز چاپ شده است.

ظهور یکباره یک نظریه آواشناختی پیشرفته در اوایل نشأت علوم مسلمانان و عربی نویسان آن قدر نظرگیر است که بلافاصله پرسشی را به ذهن می آورد و آن اینکه آیا در این جا با یک کشف علمای عربی نویس مواجهیم یا چنانکه در مسائل متعدد دیگر دیده ایم با تأثیری از خارج.^۱

اول بار ظاهراً کارل فولرس به این مطلب اشاره کرده است.^۲ فولرس، پس از آنکه تأثر آواشناسی عربی از زبانشناسی یونانی مآبی و رومی را ناممکن دانسته، گفته است: «... نمی توان منکر شد که احتمالاً منشأی هندی در کار است یا لاقلاً چنین چیزی را باید ممکن شمرد.» در واقع آنچه در آن زمان برای شناخت نظریه طبقه بندی اصوات خلیل در دست فولرس بوده و می توانسته به آن استناد کند مفصل زمخشری و شرح ابن یعیش بوده؛ در مورد نظام سیبویه البته تصحیح درنبرگ از الکتاب سیبویه در دسترس او بوده است. فولرس ابتدا خواسته است بگوید که نظام [آواشناسی] مفصلتر سیبویه اقتباس از هندیان یا لاقلاً متأثر از آن است، اما بعد بر آن رفته که نظیر این در مورد خلیل نیز البته منتفی نیست: «اما نظام خلیل نیز ممکن است از نظامی هندی گرفته شده باشد.»^۳ کارل بروکلمان درباره این نظریه دو بار اظهار نظر کرده است و گرچه در مجلدات اصلی تاریخ ادبی عربی آن را تلقی به قبول کرده،^۴ سی و نه سال بعد در ذیل کتاب خود با آن مخالفت نموده است.^۵ آراء عربی دانان اروپایی و مستشرقان جدید در سالهای بعد نیز به همین صورت به دو جناح تقسیم شده است.^۶

۲۳۳

آینه پژوهش | ۲۱۰
سال ۳۵ | شماره ۶
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

۱. آنچه در این ذیل درباره وابستگی آواشناسی خلیل به دستور زبان سنسکریت طرح شده موضوع سخنرانی من در پانزدهمین مجمع شرق شناسان آلمان در اول اوت ۱۹۶۱ نیز بوده است. عنوان آن سخنرانی، که تحریر مفصلتر آن در مجله انجمن شرق شناسی آلمان، ش ۱۱۲ (۱۹۶۲)، ۲۹۱-۲۹۸ نیز چاپ شده، چنین است: "Neues zur ältesten arabischen Lexikographie".

2. K. Vollers, "The System of Arabic Sounds as based upon Sibaweih and Ibn Yāish", *Transactions of the Ninth International Congress of Orientalists*, London, 1893, II, ۱۳۰-۱۵۴.

۳. همان، ۱۳۵.

۴. همان، ۱۳۵.

5. K. Brockelmann, *Geschichte der arabischen Literatur* (Weimar, 1898), I, 972.

۶. همان، ذیل، ۱، ۱۵۶: «اما دیگر تأثیرات، مانند تأثیر دستور زبان لاتینی و هندی، قابل اثبات نیست.» نیز در همان جا، حاشیه ۴، گفته است: «در آواشناسی نیز این قابل اثبات نیست، به خلاف آنچه فولرس حدس زده است. آنچه هست تشابهات تصادفی است که [مستقلاً] از نفس مسأله بیرون آمده اند...»

۷. الکساندر فولتن در مقدمه ای که بر تصحیح قطعات کتاب الباریع ابوعلی قالی نوشته (ص ۸) تأثیر هندی را مسلم فرض کرده، اما گوستاو یان، در کتاب سیبویه در نحو (برلین، ۱۸۹۵، ۷۲، ۱۵)، آرتور شاده، در آواشناسی سیبویه

چون به واسطه کشف کتاب العین نظام خلیل را اکنون به خوبی می‌شناسیم، به موقع است که مسأله را بار دیگر طرح کنیم. دستوردانان زبان سنسکریت از زمان پانینی^۱، معروفترین دستوریان هند، نظامی در آواشناسی به وجود آوردند که در دقت و بررسی علمی حیرت‌آور است و مانند است به تحقیقات علمی امروزی؛ به مانند چنین چیزی هیچ‌یک از اقوام صاحب فرهنگ باستانی دست نیافته‌اند.^۲

ترتیب حروف در الفبای هندیان استوار است بر نظامی علمی که اساس آن را در زمان پانینی نهاده‌اند.^۳ ترتیب صامت‌ها در الفبای سنسکریت چنین است:

۱. نرم‌کامیها: ka kha ga gha ña
۲. کامیها: ca cha ja jha ña
۳. برگشتیها: ṭa ṭha ḍa ḍha ṇa
۴. دندانیها: ta tha da dha na

(لیدن، ۱۹۱۱، ۱۶/۶)، و اریش بروینلیخ، در خلیل (ص ۶۴) مخالف‌اند. محمد بن سَنَب در دائرة المعارف العربیة به نظریه فولرس مایل شده و عبدالله درویش در المعاجم العربیة یکسره آن را رد کرده و حسین نصّار در المعجم العربی به شیوه‌ای مقرون به احتیاط سخن گفته است: «مسأله‌ای است دشوار و متنازع فیها و نظری که ممکن نیست در آن بتوان یقینی حاصل کرد.» استاد یول کرمر در نامه‌ای به تاریخ ششم نوامبر ۱۹۵۹ به من چنین نوشته است: «و اما درباره نظریه تأثیر آواشناسی هندی در ترتیب کتاب العین، شاید برای شما جالب توجه باشد که پس از خطابه کوتاه که من سالها قبل درباره کتاب العین در سمینار زبانشناسی توینگن ایراد کردم، استاد هانس کراهه نیز به این مشابهت عجیب ترتیب کتاب خلیل و الفبای سنسکریت توجه داد...»

۱. ولو آنکه در مسأله سوانح حیات و جایگاه تاریخی پانینی، «پدر دستور زبان هندی»، ابهامات و غوامضی باشد، باز ظاهراً تردید نیست که «پانینی بعد از دوران بودا (حدود سال ۵۰۰ ق.م) ولی پیش از آغاز عصر میلادی می‌زیسته است»:

B. Liebich, Pāṇini, Ein Beitrag zur Kenntnis der indischen Literatur und Grammatik, Leipzig, 1891.

۲. مثلاً فهم اختلاف آوایی میان اصوات واکدار و بی‌واک در آواشناسی اروپایی مدیون سلف هندی آنان است در چند هزاره قبل؛ رجوع شود به:

W. S. Allen, *Phonetics in Ancient India*, London, 1953: "The Indian Influence on Western Phonetics".

آلن مقدماً درباره متون هندیان در موضوع آواشناسی گفته است (ص پنچ): «... آنها در مباحث آواشناسی به جایی رسیده‌اند ... که تازه پیشرفت‌های اواخر قرن نوزدهم و بیستم ما را قادر به فهم آن ساخت.»

3. O. Böhtlingk, *Pāṇini's Grammatik, herausgegeben, übersetzt und erläutert...*, Leipzig, 1887, 1.

نظام پانینی البته به کلی فرق دارد (استاد ویسمان من را متوجه این مطلب کرد). با این حال، نظام پانینی هم بر همان ترتیب طبیعی اصوات استوار است که در ادامه خواهد آمد و بنابراین، این نظام به قطع قدیم‌تر از پانینی است.

۵. لیبها: pa pha ba bha ma

۶. نیمه مصوتها: ya ra la va

۷. صفیریها: sa ṣa śa

۸. حلقی: ha

در این مجموعه آنچه مخصوصاً حائز اهمیت است بیست و پنج صامت اول الفبای سنسکریت است. معیار این ترتیب که آن را به دقت رعایت کرده اند، جای تلفظ یا مخرج آنها در دهان است، از عقب به جلو، از جایی که هوا وارد دهان می شود تا لبها.^۱

از مقایسه این ترتیب و ترتیب خلیل این تطابقات را می توان دریافت:

۱. اساس ترتیب اصوات، در هر دو نظام، اصلی آواشناختی است.

۲. هم در هندی و هم در عربی جای اصوات در فهرست اصوات وابسته است به جای تلفظ آن، که مفهومی ساده و روشن نیست؛ در عربی مخرج^۲ در هندی sthāna.^۳

۳. در هر دو نظام، ترتیب اصوات از عقب به جلو است، یعنی از حلق شروع می شود، سپس کام تا لبها.

۴. در هر دو نظام، صامتها را به هشت گروه تقسیم کرده اند.^۴

۱. مقایسه شود با آلن، همان، ۴۸ و بعد. ردیف ۷ و ۸، گرچه به لحاظ مخرج یک گروه را می سازند، در جای درست نیستند، به این معنی که ha بایست درست در آغاز فهرست باشد و صفیریها، چون کامی و لثویند، لااقل بایست پیش از لبیها بیایند. ردیف ۶، یعنی نیم مصوتها، به کلی بیرون از ترتیب است، زیرا به لحاظ مخرج اشتراکی ندارد، بلکه به لحاظ اشتراکاتی در صرف اسم و فعل در یک طبقه قرار گرفته اند.

۲. ص ۳۰.

3. Allen, 17.

۴. این البته به شرطی درست است که در ترتیب عربی خلیل صامت های «نرم» را کنار بگذاریم، ولی آن هم در نزد خلیل توجیهی دارد. در نزد خلیل حیثیت صامت های «سخت» هشت یا نه است (العین، ۵/۶ برابر با ازهری، ۴۴؛ ۱۵/۶ برابر با ازهری، ۴۵). ظاهراً گرایش بوده به اینکه شمار مخارج حروف را بیشتر کنند، زیرا که شمار آنها در کتاب سیویوه به ۱۶ رسیده است. تناظر دیگر را ظاهراً باید در آن جا دید که هم در سنسکریت و هم در نظام خلیل بعضی اصوات که به لحاظ مخرج نسبتی با هم ندارند به آن جهت که در صرف هر دو زبان خصوصیات داشته اند که آنها را به هم مربوط می ساخته در یک گروه جای داده شده اند: در سنسکریت «نیمه مصوتها» ی va و ra و la و va و در عربی صامتهای «نرم» یاء و واو و همزه.

در نزد خلیل در «مخرج بین الغار الاعلی و ظهر اللسان» گفته شده است که مشخصه این اصوات و شرط تلفظ آنها «انحراف اللسان» است.^۱ در عربی دشوار بتوان فهمید که این شرط چیست.^۲ ردیف سوم از الفبای هندی، یعنی اصوات معروف به اصوات برگشتی (mūrdhanya، لفظاً «اصواتِ سری»)، را چنین تعریف کرده‌اند که اینها prativeṣṭita هستند، یعنی «به عقب میل می‌کنند؛ به عقب انحراف پیدا می‌کنند».^۳ انحراف عربی را ظاهراً باید ترجمه قرضی از آن لفظ سنسکریت شمرد.

اینکه نظام آوایی عربی و هندی در جزئیات اختلافاتی دارند البته روشن است. با وجود اختلاف مخارج حروف هندی و عربی، تطابقیهای حیرت‌آور دو نظام آوایی در ترتیب اصوات بیشتر جلب نظر می‌کند. چنانکه گفتیم، می‌دانیم که هندیان از چند قرن قبل از میلاد با مسائل آوایی و دستوری مشغولیت داشته‌اند. اما چون نظام خلیل برای زبان عربی و درون آن زبان به کلی بی‌سرمشق و زمینه است و از تأثیرات هندی [در فرهنگ اسلامی] در زمان خلیل شواهد خوبی به دست است،^۴ پس نباید در این تردید داشت که فکر ترتیب و نظام اصواتی که خلیل در العین به کار بسته و آنچه مستقل از خلیل در کتاب سیبویه هست به نحوی مدیون زبانشناسی هندی است و محرکهایی از آن سو باعث آن شده و این را جز «فکر» آن، در مورد بعضی خصوصیات صوری نیز می‌توان گفت.

چند توضیح دیگر

۱. ترتیب کتاب العین چنین است:

۱. العین، ۲/۴.

۲. آنچه شاده در آواشناسی سیبویه (ص ۱۹) و براومان، موادی برای تحقیق در آواشناسی عرب‌ها و تبتعاتی در این باره (گوتینگن، ۱۹۳۴، ص ۵۸-۵۹)، درباره انحراف گفته‌اند قانع‌کننده نیست. ولی لغویان عرب نیز نمی‌دانسته‌اند با این اصطلاح چه کنند (مقایسه شود با براومان، همان جا). کانتینو در تبتعات زبانشناسی عرب (ص ۵۰) انحراف را، که سیبویه آن را خصوصیت لام شمرده، به «کناری» (lateral) بودن تعبیر کرده. این توضیح که در مورد لام معقول است، در نظام خلیل ممکن نیست، زیرا انحراف در مورد راء و نون نیز به کار رفته است. به علاوه در کتاب سیبویه سخن از انحراف راء «الی اللام» هم هست!

۳. آلن، همان، ۵۲.

۴. در این باره نویسنده در فصل اول کتاب خود اشاراتی دارد. از آن جمله است نقل *Brahma-sphuta-siddhantā* (سندهند)، نقل کتاب‌های هندی در پزشکی، آراء هندیان درباره جزء لایتجزا، و کتاب‌های آنان در کشورداری و ادب حکمی.

ع، ح، ه، خ، غ، ق، ک، ج، ش، ض، ص، س، ز، ط، ت، د، ظ، ذ، ت، ر، ل، ن، ف، ب، م، و، همزه، ی.

واو و یاء و همزه در پایان فهرست است، چون به نظر خلیل این اصوات «هوائیه» را نمی‌توان با توجه به «حیّز» آنها دسته‌بندی کرد: «لم یکن لها حیّز تُنسبُ الیه غیره [ظ. ای غیر الهواء]».

۲. اصطلاحات خلیل بعضی روشن است و بعضی نه؛ مثلاً حلقی و شفوی روشن است، ولی وقتی که مثلاً می‌گوید که ضاد و شین و جیم در شجر تلفظ می‌شوند و می‌گوید شجر «مفرج الفم» است سخن او چندان روشن نیست.

۳. انحراف اللسان را خلیل در مورد راء و لام و نون درست دانسته است.

آنچه اشتفان ویلد در مقاله خود در سال ۱۹۶۲ گفته، با آنکه اندکی مفصل‌تر است، عمدتاً همین مطالبی است که در ذیل فصل سوم کتاب او (۱۹۶۵) آمده است و ترجمه آن در این جا آمد. چند سطر اخیر از مقاله اخیرالذکر او نقل شد.